گزارش

«شرق» تبعات بحران‌سازی رسانه‌ای مخالفان مذاکره با غرب را واکاوی می‌کند

ترور در کلام، تخریب در واقعیت

مهدی بازرگان: در بحبوحه یکی از تنش‌آمیزترین دوره‌های روابط ایران و آمریکا، همچنان بخشی از جریان تندروی مخالف ارتباط با غرب و رفع تحریم‌ها نگران از احتمال به نتیجه رسیدن مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا در آینده نزدیک به فضاسازی رسانه‌ای روی آورده‌اند تا با رادیکال‌کردن فضا مانعی بر سر مذاکراتی باشند که می‌تواند سایه جنگ را از ایران دور کند و تحریم‌ها را کاهش دهد. در این میان، روزنامه کیهان هم مانند همیشه به دنبال فضاسازی‌های رادیکال خود است و در ستون گفت‌وشنود خود، احتمال ترور دونالد ترامپ را مطرح کرد و نوشت: «همین روزهاست که به انتقام خون شهید سلیمانی چند گلوله به مغز پوکش شلیک شود». البته نه این ستون کیهان اعتباری دارد که بخواهد به معنای ارائه نظر بخشی از تصمیم‌سازان در کشور باشد و نه حتی اگر مطلب در بخش گزارش اصلی این روزنامه قید می‌شد به معنای اراده پنهانی برای انجام چنین امری بود، اما این اظهارات در شرایطی منتشر شد که هم‌زمان ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در هفدهم بهمن‌ماه سال گذشته، هشدار داد در صورت ترور او توسط جمهوری اسلامی، به نیروهای نظامی ایالات متحده دستور داده ایران را به طور کامل نابود کنند. ترامپ در جریان امضای یک فرمان اجرائی تهدید کرده بود: «اگر چنین کاری انجام دهند، چیزی از ایران باقی نخواهد ماند». در آن برهه نیز آسوشیتدپرس ادعا کرده بود که مقامات امنیتی آمریکا از مدت‌ها پیش تهدیدهای احتمالی از سوی ایران علیه ترامپ و دیگر مقام‌های سابق دولت او را رصد می‌کنند؛ به‌ویژه پس از دستور ترامپ برای ترور سردار سلیمانی.

گفتنی است که در جریان یکی از گردهمایی‌های انتخاباتی ترامپ در جولای گذشته در پنسیلوانیا که طی آن هدف سوءقصد قرار گرفت، منابع امنیتی آمریکا از دریافت تهدیدهایی مرتبط با ایران خبر دادند. با این حال، مقامات آمریکایی در آن زمان دخالت مستقیم ایران را تأیید نکردند. در ادامه، وزارت دادگستری آمریکا در نوامبر اعلام کرد که فردی به نام فرهاد شاکری، تبعه افغانستان و ساکن ایران، مأموریت یافته بود برنامه‌ای برای ترور ترامپ طراحی کند. طبق اسناد دادگاه فدرال، شاکری مدعی شده این دستور را از یکی از اعضای سپاه پاسداران دریافت کرده است. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه ایران همان زمان این اتهامات را «توطئه‌ای اسرائیلی» با هدف تخریب روابط تهران و واشنگتن توصیف کرد. با افزایش فشارهای سیاسی و اقتصادی علیه ایران، این تهدیدات متقابل خطر تشدید درگیری‌های دیپلماتیک و امنیتی میان دو کشور را افزایش داده‌اند؛ در حالی که هنوز واکنش عملی آمریکا در صورت بروز حادثه‌ای واقعی علیه ترامپ مشخص نیست.

از منافع ملی تا پیامدهای حقوقی بین‌المللی

در برهه‌ای که دیپلماسی منطقه‌ای و مذاکرات پشت پرده میان ایران و غرب در مرحله‌ای حساس قرار گرفته، موضع‌گیری‌های شتاب‌زده و احساسی در رسانه‌های رسمی کشور، به‌ویژه درباره موضوعاتی چون ترور شخصیت‌های سیاسی خارجی، می‌تواند آثار جبران‌ناپذیری بر منافع ملی ایران بر جای گذارد. در سطح بین‌الملل، نسبت‌دادن هرگونه طرح ترور، آن هم علیه رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده، می‌تواند تبعات حقوقی گسترده‌ای داشته باشد. ایالات متحده می‌تواند بر اساس کنوانسیون‌های مبارزه با تروریسم، موضوع را به شورای امنیت سازمان ملل ببرد و از آن به عنوان سندی برای افزایش فشارهای حقوقی و امنیتی علیه ایران بهره گیرد. در فضایی که پرونده‌های حقوق بشری، تحریم‌های اقتصادی و اقدامات محدودکننده علیه ایران در حال انباشت است، افزودن یک پرونده با محتوای «طرح ترور» فقط بر وخامت اوضاع خواهد افزود.

مختل‌کردن مسیر دیپلماسی و مذاکره

در شرایطی که نشانه‌هایی از بازشدن پنجره‌ای محدود برای گفت‌وگو میان تهران و واشنگتن دیده می‌شود، اظهارات تند و تحریک‌آمیز همچون آنچه در رسانه‌ها و برخی محافل رسمی به ترور ترامپ اشاره شد، می‌تواند همچون یک مین سیاسی عمل کند. این مین‌ها با هر حرکت دیپلماتیک که به سمت کاهش تنش و افزایش تعامل حرکت کند، به طور ناگهانی منفجر می‌شوند و هرگونه پیشرفت را به‌سرعت خنثی می‌کنند. در این موقعیت حساس، احتمال اینکه این اظهارات نه از روی بی‌خبری، بلکه با هدفی خاص انجام شود، وجود دارد. این اقدام‌های تحریک‌آمیز به‌ویژه از سوی جریان‌های تندرو که در داخل ایران و ایالات متحده تأثیرگذار هستند، نه‌تنها به معنای تهدید علیه امنیت و ثبات کشور است، بلکه در واقع یک استراتژی پنهان برای جلوگیری از هرگونه بهبود روابط است. این گروه‌ها همواره از فضای تنش بهره‌برداری می‌کنند و ترجیح می‌دهند روابط ایران و آمریکا در وضعیت سرد و درگیر باقی بماند تا بتوانند از آن برای تقویت جایگاه خود استفاده کنند. هر زمان که دو طرف به آستانه مذاکره نزدیک شده‌اند، چنین اقداماتی به طور عمدی یا غیرعمدی انجام شده است تا فضای گفت‌وگو و فرصت‌های دیپلماتیک را از بین ببرد.

در این شرایط، مسئولیت نهادهای رسمی، رسانه‌ها و کسانی که در فضای عمومی کشور تأثیرگذار هستند، بیش از هر زمان دیگری سنگین می‌شود. اگر این افراد یا گروه‌ها از روی بی‌اطلاعی یا به قصد تخریب فضای دیپلماسی، به گونه‌ای عمل کنند که حساسیت‌های داخلی یا خارجی را تحریک کنند، نه‌تنها فرایند گفت‌وگوهای احتمالی را از بین می‌برند، بلکه در نهایت به زیان منافع ملی تمام خواهد شد.

لزوم اقدام فوری و هوشمندانه

در شرایط کنونی که ایران درگیر پیچیدگی‌های سیاسی و دیپلماتیک حساس است، خطای استراتژیک در اظهارنظرهای عمومی یا رسانه‌ای می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری داشته باشد. در چنین موقعیتی، سکوت و انکار از سوی نهادهای رسمی، نه‌تنها راه‌حلی مؤثر نیست، بلکه می‌تواند به گسترش بحران و تشدید تنش‌ها منجر شود. از این رو، نیاز به واکنشی سریع، قاطع و اصولی از سوی سازوکارهای نظارتی و حقوقی کشور بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. این واکنش‌ها باید بدون مماشات و به طور مؤثر نسبت به هرگونه اظهارنظر یا اقدام بحران‌زا، به‌ویژه در حوزه رسانه‌ای، انجام شود. در شرایط کنونی، با توجه به اوضاع حساس سیاسی و دیپلماتیک ایران، به‌ویژه در عرصه روابط بین‌الملل، این واقعیت که کیهان با داشتن سابقه‌ای طولانی از مواضع ضد امنیت ملی، همچنان بدون برخورد جدی و بازخواست از سوی نهادهای مسئول فعالیت می‌کند، جای تأمل دارد. این روزنامه که در موارد متعددی در گذشته به اظهارات تحریک‌آمیز و حتی تخریبگر پرداخته، عملا نقشی غیرمستقیم در افزایش تنش‌های داخلی و خارجی ایفا کرده است. با این حال، وضعیت جاری کشور و حساسیت‌های موجود نشان می‌دهد که احتمال برخورد جدی با آن بسیار کم است.

این در حالی است که اگر سایر رسانه‌های مستقل و آزاد کشور حتی به طور غیرمستقیم یا در قالب لحن شوخی چنین مطلبی را مطرح می‌کردند، قطعا با شدیدترین واکنش‌های قضائی و سیاسی مواجه می‌شدند. این تضاد در برخورد با رسانه‌ها و نحوه برخورد با اظهارنظرهای مشابه، نشان‌دهنده فضای تبعیض‌آمیز رسانه‌ای در کشور است. در حالی که برخی رسانه‌ها از امتیازات ویژه‌ای برخوردار هستند و می‌توانند آزادانه مواضع خود را بدون نگرانی از پیگرد بیان کنند، دیگر رسانه‌ها به‌سرعت با فشارهای قضائی و سیاسی مواجه می‌شوند که این خود بر تنش‌ها افزوده و منجر به تضعیف فضای رسانه‌ای آزاد و عادلانه در کشور می‌شود. در نتیجه، حتی با وجود اینکه برخی از اظهارات این روزنامه به‌وضوح می‌تواند بر امنیت ملی و منافع کشور آسیب وارد کند، به‌نظر می‌رسد در کوتاه‌مدت اقدامی مؤثر برای بازخواست و پاسخ‌گویی از سوی مسئولان انجام نخواهد شد. این امر باعث می‌شود هزینه‌های چنین اقدامات رسانه‌ای برای کشور به طور غیرمستقیم افزایش یابد، بدون اینکه هیچ پاسخ قانونی و اجرائی در پی داشته باشد.

دیپلماسی ظریف در مسیر شایعه و واقعیت

سکوتی که شنیده می‌شود

عکس: مهند تاکی، شرق

عبدالرحمن فتح‌الهی: با وجود آنکه محمدجواد ظریف عطای حضور در دولت چهاردهم را به لقایش بخشیده و از بازگشت به سطوح اجرائی کناره‌گیری کرده، اما نام او همچنان در محافل سیاسی و رسانه‌ای به عنوان چهره‌ای تأثیرگذار مطرح است و کماکان ظریف در معرض گمانه‌زنی‌های گسترده قرار دارد. در تازه‌ترین ادعاها، برخی منابع مدعی شدند پس از نشستی محرمانه در صبح روز جمعه میان آقایان قالیباف و حاجی‌بابایی با رهبر انقلاب، موضوع مذاکرات مستقیم با ایالات متحده آمریکا مورد تأیید قرار گرفته و سه چهره سیاسی، از جمله آقایان علی لاریجانی، محمد فروزنده و محمدجواد ظریف، به عنوان نمایندگان منتخب برای این مأموریت معرفی شده‌اند. بر اساس این ادعا، آغاز مذاکرات مزبور از ابتدای ماه ژوئن ۲۰۲۵ (مطابق با اواسط خردادماه ۱۴۰۴) پیش‌بینی شده است. بااین‌حال، منابع نزدیک به دکتر ظریف در گفت‌وگو با «شرق» قویا این ادعا را رد کردند. پیش از این نیز اخبار مشابهی درباره بازگشت احتمالی دکتر ظریف به صحنه سیاسی مطرح شده بود؛ از جمله شایعه‌ای مبنی بر انتصاب ایشان به سمت مشاور امور بین‌الملل رهبر انقلاب که با واکنش و تکذیب هاتف صالحی، فعال رسانه‌ای اصولگرا، همراه شد. او در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس، اعلام کرد این شایعه توسط وحید خرمیان، یکی از نزدیکان دکتر ولایتی و دکتر ظریف، فاقد صحت دانسته شده است. نکته شایان تأمل آن است که طرح چنین شایعاتی، به‌ویژه در شرایط حساس کنونی، نه‌تنها می‌تواند فضای روانی کشور را ملتهب کند، بلکه ممکن است به تضعیف جایگاه دولت چهاردهم و در عین حال خدشه‌دارکردن اعتبار شخصیت‌های سیاسی، از جمله دکتر ظریف، منجر شود. پیش‌تر نیز ادعایی مبنی بر سفر محرمانه دکتر ظریف به نیویورک به منظور انجام گفت‌وگو با مقامات آمریکایی منتشر شده بود که محمدهادی محمدی، مدیر روابط‌عمومی معاونت راهبردی ریاست‌جمهوری، در واکنش به این ادعا در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «از دکتر ظریف درباره شایعه سفر به نیویورک پرسیدم. ایشان با طنازی پاسخ دادند: نه نیویورک، بلکه در اصفهان، نصف جهان، همراه همسرم به دیدار مسئولان آرامستان باغ رضوان رفته بودم. البته شاید اخیرا نیویورک نیز جزئی از قصبات نصف جهان شده باشد».

غیاب پرسروصدا در میدان دیپلماسی

توجه به توالی این‌دست شایعات، آن‌هم در بازه زمانی یک ماه پیش از کناره‌گیری ظریف از معاونت راهبردی، نشان می‌دهد هرچند او رسما نقشی در دولت فعلی ندارد، اما نام و جایگاه سیاسی‌اش همچنان در فضای عمومی کشور موضوع توجه، تحلیل و بعضا سوءبرداشت‌هایی است که نیازمند دقت، شفاف‌سازی و پرهیز از بهره‌برداری‌های جناحی است. در روزگاری که دیپلماسی ایرانی با یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ معاصر خود مواجه و موازنه قوای جهانی به‌شدت علیه منافع ملی در حال تحول است، فقدان چهره‌ای همچون محمدجواد ظریف، بیش از آنکه نشانه‌ای از پایان یک عصر باشد، یادآور نیاز مبرم به بازتعریف وزن دیپلماسی در راهبرد کلان کشور است. ظریف، به‌رغم کناره‌گیری آشکار از پذیرش هرگونه مسئولیت رسمی در دولت چهاردهم، هنوز هم در تاروپود گفت‌وگوهای نخبگانی، رسانه‌ای و حتی در گمانه‌زنی‌های محافل رسمی به عنوان عنصری تعیین‌کننده، موضوعیت دارد. در هفته‌های گذشته، بازنشر اخبار تأییدنشده از انتصاب او به عنوان مشاور عالی در امور بین‌الملل، شایعات پی‌درپی درباره سفرهای دیپلماتیک محرمانه و حتی نسبت‌دادن نقش به او در تیم احتمالی مذاکره با ایالات متحده، مجموعه‌ای از تحرکات رسانه‌ای و روانی را رقم زده که نمی‌توان آن را صرفا در چارچوب جنگ روایت‌ها تفسیر کرد. تداوم این اخبار -با وجود تکذیب‌های رسمی- حامل پیامی صریح و درخور تأمل است؛ خلأ دیپلماتیکی که با خروج ظریف از میدان پدید آمده هنوز از سوی بدنه کارشناسی، افکار عمومی و حتی رقبای سیاسی او پر نشده است.

دیپلماسی، سیاست داخلی و اقتصاد؛ اضلاع مثلث سرنوشت

در شرایط کنونی که احیای سیاست فشار حداکثری از سوی دولت جدید ایالات متحده، تحرکات اسرائیل در پرونده هسته‌ای ایران، سایه سنگین تنش و درگیری نظامی و احتمال فعال‌سازی مکانیسم ماشه توسط سه کشور اروپایی در شورای حکام آژانس انرژی اتمی، همگی در افق کوتاه‌مدت قرار گرفته‌اند، ناتوانی در پاسخ‌گویی فعال و عقلانی به این تهدیدها می‌تواند عملا مسیر دیپلماتیک را مسدود و تبعات اقتصادی آن را مهارنشدنی کند. جامعه‌ای که از تحریم‌ها آسیب دیده و در معرض فرسایش اعتماد عمومی قرار دارد، نگاهش بیش از همیشه به دیپلماسی دوخته شده است. در چنین وضعیتی، بازتولید گمانه‌زنی درباره حضور مجدد ظریف، نه یک ماجراجویی رسانه‌ای، بلکه ترجمان اجتماعی یک خلأ عملکردی در دستگاه سیاست خارجی است.

بی‌دلیل نیست که افکار عمومی، به‌ویژه طبقه متوسط شهری که خود را قربانی مستقیم تحریم‌ها و سیاست‌های نه‌چندان واقع‌بینانه می‌دانند، در جست‌وجوی بازگشت چهره‌ای هستند که تجربه شکست بن‌بست‌های بین‌المللی، احیای تعامل با قدرت‌های جهانی و کاهش فشار اقتصادی از طریق میز مذاکره را در کارنامه خود دارد.

ظریف؛ فراتر از یک شخص، بازنمایی یک رویکرد

آنچه محمدجواد ظریف را در غیاب نیز به موضوعی زنده بدل کرده، نه صرفا شخصیت فردی او، بلکه رویکردی است که نماد آن شده است؛ یعنی دیپلماسی مبتنی بر تعامل، گفت‌وگوی منطقی با جهان، استفاده از زبان حقوق بین‌الملل و مهم‌تر از همه درک هم‌زمان پیچیدگی‌های امنیتی و اقتصادی جهان معاصر. در برابر چنین رویکردی، خلأ حضور او نه‌تنها به یک نقصان اداری تقلیل نمی‌یابد، بلکه در سطحی کلان‌تر، بیانگر شکاف میان انتظارات عمومی از دستگاه دیپلماسی و واقعیت‌های موجود ساختاری است. شاید به همین دلیل است که هر شایعه‌ای درباره بازگشت ظریف، ولو به عنوان عضوی از تیم مشورتی یا نماینده غیررسمی، موجی از واکنش‌ها را در رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و محافل سیاسی ایجاد می‌کند. این واکنش‌ها، حتی در صورت بی‌پایه‌بودن ادعا، خود نشانه‌ای از جایگاه اجتماعی و سرمایه نمادینی است که این دیپلمات پیشین همچنان در اختیار دارد.

بازتعریف دیپلماسی پساظریف

فقدان شخصیتی با مختصات «ظریف‌گونه» در عرصه سیاست خارجی، خلأیی ایجاد کرده که نه صرفا رسانه‌ها، بلکه بخشی از نهادهای حاکمیتی نیز تلاش دارند آن را با بازتعریف چهره‌هایی جایگزین پر کنند. این در حالی است که نظام دیپلماسی ایران در حال عبور از مرحله‌ای انتقالی است؛ مرحله‌ای که در آن تلاش می‌شود بار مسئولیت سیاست خارجی بیش از آنکه در قامت شخصیتی کاریزماتیک و فراجناحی متمرکز شود، در قالب نهادهای تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر تقسیم شود. در این روند، ورود یا احیای نقش چهره‌هایی همچون علی لاریجانی یا محمد فروزنده، اگرچه با نیت ایجاد تعادل ساختاری در سیاست خارجی دنبال می‌شود، اما در غیاب چهره‌ای با توان اقناع‌سازی جهانی و شبکه ارتباطات بین‌المللی مانند ظریف، خطر «چندپاره‌سازی روایت دیپلماتیک ایران» را به همراه دارد. در این میان، نکته حائز اهمیت آن است که کنشگران بین‌المللی اعم از اروپا، ایالات متحده یا حتی کشورهای منطقه، نه صرفا به نهادهای رسمی، بلکه به نشانه‌ها و چهره‌هایی توجه دارند که قابلیت ترجمه اراده واقعی نظام سیاسی ایران را در گفت‌وگوهای سطح بالا دارند. ظریف، در ذهن دیپلمات‌های غربی، نه‌فقط به عنوان وزیر خارجه اسبق، بلکه به عنوان «سیگنال‌دهنده‌ای معتبر از مواضع تصمیم‌سازان عالی‌رتبه ایران» شناخته می‌شد. جای خالی چنین شخصیتی در مذاکرات آتی، به‌ویژه در شرایطی که احتمالات مربوط به گفت‌وگوهای مستقیم یا غیرمستقیم با آمریکا دوباره مطرح شده، ممکن است به اختلال در «رمزگشایی از اراده تهران» بینجامد؛ اختلالی که نه‌تنها مسیر گفت‌وگو، بلکه معادلات اقتصادی و روانی بازار را نیز متأثر می‌کند. از همین رو است که بازتاب شایعات پیاپی درباره بازگشت یا نقش‌آفرینی ظریف، از سفر به نیویورک گرفته تا انتصاب به عنوان مشاور عالی در امور بین‌الملل، فراتر از گمانه‌زنی‌های سیاسی یا رقابت‌های رسانه‌ای، به مطالبه‌ای اجتماعی و کارشناسی تبدیل شده است. افکار عمومی، به‌ویژه اقشار مرتبط با اقتصاد، بازار و تجارت خارجی، درک روشنی از پیوند ناگسستنی «چهره دیپلماسی» و «ثبات در فضای اقتصادی» دارند و از این منظر، تداوم غیبت یک وزنه متعادل‌کننده، می‌تواند فضای روانی جامعه را شکننده‌تر از قبل کند. در نهایت، بدون آنکه جایگاه نهادهای سیاست‌گذار در عرصه دیپلماسی زیر سؤال رود، باید اذعان کرد که در معماری کنونی سیاست خارجی ایران، هنوز فاصله‌ای میان ظرفیت نهادها و قابلیت اشخاص وجود دارد؛ فاصله‌ای که در نبود چهره‌ای مانند ظریف، بیش از همیشه محسوس است. شاید زمان آن رسیده باشد که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نه در نفی گذشته، بلکه با بهره‌گیری مجدد از ظرفیت‌های تجربه‌شده، نقشه راهی چندلایه و واقع‌بینانه‌تر را برای عبور از تنگناهای پیش‌رو ترسیم کند.

در جست‌وجوی توازن ازدست‌رفته

در پیوست آنچه گفته شد، بازگشت ظریف به صحنه سیاست رسمی، ممکن است هرگز رخ ندهد، اما مطالبه برای بازگشت «نوع نگاه ظریفانه» به جهان، امری انکارناپذیر است. در جهانی که تغییر معادلات قدرت با شتابی بی‌سابقه در جریان است و سایه تهدیدات دیپلماتیک بر اقتصاد ایران سنگینی می‌کند، بازتعریف دستگاه سیاست خارجی بر پایه عقلانیت دیپلماتیک، ضرورتی است که نمی‌توان از آن چشم پوشید. از این منظر، حتی شایعات بازگشت ظریف نیز نباید نادیده گرفته شوند؛ چراکه آنها حامل پیام روشنی هستند: جامعه ایرانی هنوز به دیپلماسی به‌عنوان تنها راه عبور از بحران‌های چندوجهی باور دارد و در این مسیر، غیبت شخصیت‌هایی با ظرفیت‌های اثبات‌شده، نه‌فقط خلأیی فردی، بلکه خلأ راهبردی است.

نه استعفای نمایشی و نه حمایت کورکورانه؛ پزشکیان تاب دروغ را نیاورد

حکم بر مدار نهج‌البلاغه

وحیده کریمی: خبری از استعفای نمایشی یا حمایت کورکورانه از معاون پرحاشیه دولت نبود. رئیس‌جمهور قاطعانه چشمانش را بر رفاقت قدیمی بست و عادلانه معاونی را که به دروغ سفر به قطب جنوب را تکذیب کرده بود، از کابینه اخراج کرد. کافی است نگاهی به گذشته نه‌چندان دور بیندازیم تا متوجه اهمیت این تصمیم شویم؛ زیرا در وهله نخست هیچ خبرنگار و رسانه‌ای بابت پرداختن به ماجرای سفر لاکچری دبیری و متعاقب آن دروغی که گفت، بازخواست نشد؛ مانند آنچه در سیسمونی‌گیت رخ داد. دوم اینکه حتی در ادامه فشارهای رسانه‌ای بابت برخورد با دبیری، شاهد استعفای تشریفاتی مانند آنچه درباره چای دبش و وزیر جهاد کشاورزی دولت سیزدهم رخ داد، هم نبودیم. بماند که شاهد حمایت تمام‌قد دولت از معاون متخلفش هم نبودیم که سخنگوی دولت بیاید از اساس بروز جرائمی را کتمان کند که امروز شاهد صدور حکم زندان بابت آنها برای دو وزیر دولت قبل هستیم. ازاین‌رو به قول فیاض زاهد: «آنچه در برکناری دبیری رخ داده، سفر به قطب جنوب نیست، بلکه دروغی بود که به سنتی رایج و ساختارمند در کشور بدل شده است». همان‌گونه که شهاب‌الدین طباطبایی، عضو حقیقی شورای اطلاع‌رسانی دولت، هفته گذشته از «بی‌صداقتی برخی دولتمردان» گلایه کرده بود و بدون اشاره به ماجرای قطب جنوب نوشته بود: «لِيَسْأَلَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ؛ تا راست‌گویان را از صداقت‌شان بازخواست کند. جناب آقای رئیس‌جمهور لطفا این آیه قرآن مجید را هر روز به اعضای کابینه یادآوری کنید. همان آیه‌ای که در نخستین گفت‌وگوی تلویزیونی با مردم بالای سرتان بود. درباره صداقت؛ همان صداقتی که مردم در شما دیدند، همان راست‌گویی که متأسفانه امروز لابه‌لای برخی ندانم‌کاری‌ها و مصلحت‌سنجی‌ها و پنهان‌کاری‌ها و بی‌صداقتی‌های بعضی از دولتمردان و کارشکنی رقبای تندرو در حال دست‌وپازدن است».

بنابراین مسعود پزشکیان که با انتخاب دبیری به عنوان معاون پارلمانی، آن‌هم درحالی‌که واجد شرایط لازم نشستن بر این مسند نبود، شرط دوستی را با یار قدیمی تمام کرده بود، اما دیروز با پایان تعطیلات، نه به دلیل ضعف عملکردش و نه به دلیل سفرش، بلکه به دلیلی دروغی که به ملت ایران گفت، تصمیم به حذف او گرفت؛ تصمیمی که با استقبال جریان رقیب پزشکیان هم همراه شد؛ تا جایی که جلیل محبی، روحانی نزدیک به قالیباف، درباره برکناری شهرام دبیری از سوی رئیس‌جمهور در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «نامه امروز آقای پزشکیان در برکنارکردن آقای دبیری، در نوع خود در تاریخ انقلاب بی‌نظیر بود. امیدوارم این نوع نگارش نامه و محتوایش و نوع عکس‌العمل در کشور باب شود». البته بخشی از مخالفان دولت این تصمیم را به سفر لاکچری معاون پارلمانی متوجه دانستند و نخواستند به اهمیت تکریم صداقت در دولت پزشکیان اعتراف کنند. برای نمونه مالک شریعتی، نماینده تندرو مجلس که فقط مسئله سفر لاکچری برایش مهم بوده و معتقد است به همین دلیل دبیری باید اخراج می‌شده. او نوشته است: «احسنت؛ متن خیلی دقیق است و خوب نوشته شده است. در شرایطی که هنوز در کشورمان فشارهای اقتصادی بر مردم زیاد و محرومان پرشمارند، سفر پرهزینه تفریحی مسئولان رسمی، حتی با هزینه‌های شخصی، قابل دفاع و توجیه‌پذیر نبوده و با معیار ساده‌زیستی مسئولان سازگار نیست». یا صالح جوکار، نماینده یزد در مجلس، هم در گفت‌وگویی با اشاره به اقدام رئیس‌جمهور در برکناری شهرام دبیری از معاونت پارلمانی با بیان اینکه در شرایط بد اقتصادی که مردم عزیز ما با آن مواجه هستند، یک مدیر در خارج کشور دنبال خوش‌گذرانی و تفریحات خود باشد، اصلا پذیرفتنی نیست، افزود: انتظار داریم افراد دیگری که دارای این تفکر هستند، از این اقدام رئیس‌جمهور درس بگیرند. جوکار با اشاره به ساده‌زیستی برخی از مسئولان تأکید کرد: این پذیرفتنی نیست که یک فرد در نظام جمهوری اسلامی که برخاسته از خون شهداست، جایگاهی را اشغال کند اما به دلخواه فردی خود عمل کند. حتی از دید او فقط سفر لاکچری دبیری فقط خط قرمز بوده و نه دروغی که گفته، ازاین‌رو اضافه کرد: «اگر کسی می‌خواهد در نظام مدیر باشد، باید خطوط قرمز را رعایت کند در غیر این صورت باید کنار برود و یک فرد عادی باشد».

این واکنش‌ها در حالی بود که این سفر با هزینه شخصی دبیری انجام شده بود و دغدغه مردم برکناری دبیری به دلیل سفر لاکچری نبود، بلکه در ابتدا گلایه داشتند که در شرایط حساس و فشار اقتصادی چرا یکی از مدیران عالی‌رتبه، سفر را به حضور در میدان کار و عمل ترجیح داده و حتی در بزنگاه‌های مهم دولت از جمله استیضاح وزیر اقتصاد در سفر بوده است. بعد از تکذیب و افشای اسامی مسافران کشتی و برنامه تور قطب جنوب در برابر این رفتار غیراخلاقی معاون پارلمانی خواستار حذف او بودند. تا جایی که شنیده شد برخی از دبیری خواسته‌اند استعفا بدهد که او نپذیرفته و گفته رئیس‌جمهور باید او را برکنار کند. در ادامه واکنش‌ها به این تصمیم رئیس‌جمهور که برای نخستین بار است که یک مدیر بابت دروغ‌گویی از دولتی حذف می‌شود، سخنگوی دولت در واکنش به برکناری معاون پارلمانی دولت در شبکه ایکس نوشت: «تصمیم امروز رئیس‌جمهور نشان داد که در دولت، هیچ‌گونه تعهد شخصی یا رابطه‌محور جایگزین معیارهای عملکردی نمی‌شود. رئیس‌جمهور با هیچ‌کس پیمان برادری نبسته و ملاک قضاوت، صرفا کارآمدی، التزام به عدالت، صداقت و منافع مردم است». جوادی‌یگانه نیز در حساب شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «آنچه مهم‌تر بود، صداقت و صراحت و قاطعیت رئیس‌جمهور در برکناری معاون پارلمانی خود و ذکر دلایل واقعی آن بود. پیش‌ازاین در موارد مشابه، اجبار یا توصیه به استعفا دادن، رواج داشته. هرچند متأسفانه، در بسیاری موارد، رفاقت‌ها و ملاحظات غیرلازم، مانع امر و توصیه به استعفا بوده است». محمدمهدی طباطبایی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور، نیز در دفاع از تصمیم رئیس‌جمهور، نوشت: «در دولتی که مفتخر به اقتدا به مولای متقیان است، رئیس‌جمهور پزشکیان در عمل ثابت کرد بر سر صداقت، عدالت و وعده‌هایی است که به مردم داده است، حتی در برابر دوستان دیرین و کسانی که سابقه همکاری و خدمات ارزشمند داشته‌اند. چنین رفتارهایی کام ملت را شیرین می‌کند». در این بین رشیدی‌کوچی، نماینده سابق، نیز با استقبال از تصمیم پزشکیان پیشنهاد داده: «برای چالاکی دولت و برقراری ارتباط با نسل جوان در مسیر تحقق وعده‌هایش معاون اول و معاون اجرائی را هم برکنار کند». اینکه پیشنهاد این نماینده سابق چه میزان در پاستور حامی داشته باشد، مشخص نیست اما مردم علاقه‌ای به حضور مسئولان پرحاشیه ندارند و مدیران عالی قوه مجریه هم باید بدانند دوره پزشکیان متفاوت از همه دوره‌های ریاست‌جمهوری است و خط قرمز او مردم و صداقت است، نه رفاقت.

خبر

پزشکیان موضع ایران درباره مذاکره با آمریکا را اعلام کرد
اگر خواهان مذاکره هستید، دیگر تهدید برای چیست؟

پزشکیان دیروز در دیدار عیدانه با جمعی از مدیران، مسئولان و نمایندگان مجلس بر عزم دولت برای حل مشکلات معیشتی مردم تأکید کرد. به گزارش خبرآنلاین، رئیس‌جمهور با اعلام این خبر که دولت برنامه‌های ویژه‌ای برای رفع مشکلات معیشتی مردم دارد، اظهار کرد: در حال ایجاد ساختاری هستیم که طی آن با کمک خیرین و مشارکت مردم کاری کنیم که هیچ فردی در ایران گرسنه نماند. با مسجدمحور و محله‌محورکردن برخی خدمات معیشتی می‌توان مشکلات را حل کرد. رئیس‌جمهور با انتقاد از برخی دوقطبی‌های کاذب ایجادشده در کشور خاطرنشان کرد: برخی همه چیز را در کشور سیاسی کرده‌اند. حتی خدمت به مردم را هم سیاسی می‌بینند. درحالی‌که اگر کسی می‌خواهد مدرسه بسازد یا اشتغال ایجاد کند، به دلیل اختلاف نگاه سیاسی با او مقابله می‌کنند. درحالی‌که خدمت به مردم اصلا سیاسی نیست. همه باید پشت سر رهبری برای حل مشکلات مردم دست در دست هم دهیم و تلاش کنیم. رئیس‌جمهور با اشاره به مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، با تأکید بر اهمیت تعامل با سایر کشورها در سیاست خارجی گفت: جمهوری اسلامی ایران خواهان گفت‌وگو از موضع برابر است؛ نه اینکه از یک سو ایران را تهدید کنند و از سوی دیگر بخواهند مذاکره کنند. اگر خواهان مذاکره هستید، دیگر تهدید برای چیست؟ آمریکا امروز نه‌تنها ایران، بلکه جهان را تحقیر می‌کند و این رفتار با درخواست مذاکره تناقض دارد. ما اگر در داخل دعوا نکنیم، توطئه‌های خارجی کارساز نخواهد بود.

روبیو:
ایران مذاکرات غیرمستقیم می‌خواهد، ترامپ مذاکرات مستقیم

وزیر امور خارجه آمریکا در نشستی خبری با تکرار ادعای وجود اهداف نظامی در برنامه هسته‌ای ایران، گفت ایران هرگز تحت ریاست‌جمهوری «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا، به سلاح هسته‌ای دست پیدا نخواهد کرد. «مارکو روبیو»، وزیر امور خارجه آمریکا، در جریان سفر به مقر ناتو در بروکسل برای شرکت در شورای وزیران این ائتلاف نظامی غربی، در کنفرانسی خبری در پاسخ به اینکه آیا اقدامات اخیر آمریکا در منطقه، از جمله علیه یمن و سیاست‌های آن در قبال ایران از حمایتی در میان متحدان آمریکا برخوردار است، گفت: من کشوری را نمی‌شناسم که مشتاق دستیابی ایران به توانمندی تسلیحات هسته‌ای باشد. روبیو در ادامه گفت: ما دراین‌باره گفت‌وگوهایی داشتیم. همان‌طور که می‌دانید، رئیس‌جمهور ترامپ مایل است بداند در این زمینه چه چیزی قرار است رخ بدهد اما همچنین صراحتا اعلام کرده است که ایران مسلح به سلاح هسته‌ای وجود نخواهد داشت. این اتفاق تحت نظر او نخواهد افتاد. ایران اخیرا به نامه‌ای که ترامپ به ایران فرستاده بود پاسخ داده و اعلام کرده آماده مذاکره غیرمستقیم با آمریکا از طریق میانجی‌هاست. ترامپ گفته ترجیح او گفت‌وگوهای مستقیم بوده و این طریق، ممکن است به تسهیل رسیدن به توافق کمک کند. او تصریح کرد: من فکر می‌کنم این‌طور سریع‌تر پیش می‌رود و شما می‌توانید [حرف] طرف مقابل را خیلی بهتر از وقتی که از طریق میانجی‌ها کار پیش می‌رود، بفهمید.

روزنامه وال‌استریت ژورنال در روزهای گذشته گزارش داده است که دولت ترامپ علاقه‌ای به طولانی‌شدن مذاکرات با ایران ندارد و همین دلیل در حال تلاش برای مذاکرات مستقیم با ایران است. اگرچه یک مقام آمریکایی به پایگاه خبری آکسیوس گفته بود مذاکره مستقیم در دولت آمریکا مورد بحث است و دولت با توجه به دریافت پاسخ ایران به نامه ترامپ، در حال بررسی این موضوع است و هنوز تصمیمی اتخاذ نشده است.